

# هاشمی رفسنجانی و مشکل حل منازعات درونی رژیم از طریق مذاکره

29 تیر 1388

برخورد های رفسنجانی در یک ماه ونیم گذشته، نامه سرگشاده وهشدارگونه او به خامنه ای در آستانه «انتخابات» 22 خرداد وپنهان کردن بعدی خود از انظار در یک ماه گذشته به همراه تلاش های پشت پرده اش، وبالاخره سخنان اخیرش در نماز جمعه 26 تیرماه، همگی نشان ازاین دارند که وی بیش از همه سران رژیم موقعیت بحرانی و انباشته از تناقض جمهوری اسلامی را درک کرده و برای بیرون کشیدن کشتی به گل نشسته نظام، از خود درایت ودوران‌دیشی نشان می دهد.

او نیک متوجه تناقض ذاتی رژیم، تناقض میان دو وجه جمهوریت و اسلامیت آن، گردیده است وبا درک اهمیت نگران کننده گسترش تشتت در این باره، آن هم دراین وضعیت به شدت بحرانی، برای کاهش آن به چاره جویی افتاده است.

رفسنجانی با شامه تیزش بهتر از دیگرسران رژیم دریافته است که چرخشی جدی دراوضاع به وقوع پیوسته است؛ او فهمیده است که این مردم دیگرحکمرانی شدن به شیوه های سابق را بر نمی تابند واگرچاره ای به سرعت اندیشیده نشود وتغییری در شیوه های حکومتی صورت نگیرد، گشایشی هر چند محدود در اوضاع بوجود نیاید وتلاشی تازه از سوی مسؤلان نظام برای کانالیزه کردن امواج عظیم نارضایتی مردم به درون نظام صورت نگیرد آنگاه همین مردمی که تا دیروز شعار ابطال انتخابات را فریاد می کردند، در آینده ای نه چندان دور و با بروز بحران هایی تازه وبا فراهم شدن فرصت هایی جدید، می توانند ابطال کل نظام را فریاد کنند.

علاوه برهمه اینها، او موقعیت خود و خانواده وامپراتوری مالی ای که در این 30 ساله به چنگ آورده را به شدت متزلزل، در معرض حذف وافتادن به چنگ دیگر باندهای مالی-امنیتی رژیم می بیند.

مخاطب او دراین سخنرانی هم خامنه ای ودیگر سران حکومتی بود، هم نیروهای سرکوبگر وهم توده های وسیع مردم به ستوه آمده از سیطره 30 سال حکومت دینی که در ابعاد میلیونی راه نافرمانی مدنی اختیار

کرده اند و بسته به رویداد ها می توانند در ادامه تحولات، کل نظام را به چالش بکشند.

طی همین سخنرانی هاشمی رفسنجانی توانست یکبار دیگر به عنوان مرد نیرومند نظام و چهره شاخص مخالف سیاست های خامنه ای و گماشتگان وی، به عنوان سخنگوی اصلی جناح مخالف، اعم از اصلاح طلب و غیر اصلاح طلب، خود را مطرح کند و با کوشش برای سوار شدن بر موج اعتراضی مردم، امنیت خود و خانواده اش را در مقابل حملات جناح مخالف بیمه نماید.

چنین بود که رفسنجانی در سخنان خود، بر خلاف نامه سرگشاده اخیرش به رهبر، این بار نه تنها هیچ اشاره ای به ولی فقیه و رهبر و ابراز اخلاص و همراهی با او نداشت که هیچ، بلکه او و سیاست ها و روش ها و نتایج زیانبار آنها را برای نظام به نقد کشید؛ وی ضمن انتقاد از گماشتگان رهبر در شورای نگهبان، صدا و سیما، دولت و...، لزوم رعایت قاعده بازی و توجه به حقوق جناح مخالف خامنه ای را مطرح ساخت؛ وی با دعوت به حرکت در کادر قوانین، تغییر برخی قوانین را، البته از طریق قانونی مطرح ساخت؛ که یکی از این قوانین می تواند تغییر اصل ولایت فقیه از طریق مجلس خبرگان و بدین ترتیب تهدید خامنه ای به خلع ید از مقام ولایت باشد. او گفت در این زمینه ها بحث ها و مشورت های وسیعی را پیش برده و پیشنهادهایش را با شورای مصلحت نظام و نمایندگان در مجلس خبرگان و... در میان گذاشته است. او در حالی آزادی زندانیان و بازداشت شدگان یک ماهه اخیر و دلجویی از آنها و خانواده هایشان را مطرح می کرد که در همان هنگام، و قبل و پس از آن، نیرو های سرکوبگر خامنه ای به قلع و قمع مردم گرد آمده پیرامون دانشگاه و سرکوب و باز داشت آنها مشغول بودند و...

اما در ورای سخنان هاشمی رفسنجانی، آنگاه که بحث بر سر اختلافات موجود در رأس هرم جمهوری اسلامی مطرح است نباید این نکته ابتدائی را فراموش کرد که بحث بر سر قدرتی است که نه از طریق دموکراتیک بلکه به ضرب زور و با تکیه بر سرکوب خشن مخالفین و تصفیه های خونین درونی پا گرفته و مستقر گردیده است؛ حکومتی که به نام دین و با سوار شدن بر موج عظیم جنبش مردمی شکل گرفته است و مراکز پیچیده و متعدد قدرت و تصمیم گیری در درون خود را بوجود آورده است و با تکیه بر منافع سرشار نفتی باند های مافیایی فوق العاده نیرومندی را در خود جای داده است. همین باندها و محافل و خانواده های ذینفوذ، که یک سرشان در منابع سرشار و باد آورده مالی و سر دیگرشان در مراکز امنیتی و نظامی و سر سوم آنها در شبکه روحانیت تشیع و در میان ملا ها قرار دارند و در جنگ و گریز مدام با یکدیگر به سر می برند، هستند که متفقاً مافیای در قدرت جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند.

دسته بندی های در قدرتی که چنین شکل گرفته باشند و طی یک دوره 30 ساله و در مسیری پر پیچ و خم و سرشار از توطئه و کلک به توازی در میان خویش دست یافته باشند و همچنان که نشان داده اند آن جا که پای منافع حیاتی شان در میان باشد از اقدام به هیچ جنایتی در حق مردم و مخالفین خویش دریغ نمی ورزند، آنگاه که به اختلافی حاد در میان خویش برخورد کنند و منافع حیاتی خود را در معرض تهدید ببینند مشکل می توانند از طریق مذاکره با هم به تفاهم دست یابند. بی جهت نیست که رفسنجانی، نگران از آینده تیره و تار منازعات باند های حکومتی، عدم پاسخگویی به موقع به بحران کنونی و گسترش بیشتر آن را به ضرر همه دست اندرکاران رژیم و تهدید منافع حیاتی همه جناح های حکومتی دانسته است.